

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

گزارشگر: هوادار پورتال

۱۸ جون ۲۰۱۱

گزارشی از یک محفل

روز شنبه گذشته در شهر ویسبادن المان شاگردان سابق لیسه (نجات) امانی قرار بازدید و ملاقات بین هم گذاشته بودند تا خاطرات دوره متعلمی را دوباره زنده بسازند و ساعاتی در کنار هم گرد و غبار ایام را از چهره آن سالهای بی غمی بزدایند.

در سالهای قبل نیز چنین محافلی از طرف متعلمین سابق لیسه امانی برگزار می گردید که در آن فارغان سالهای ۱۹۷۰-۱۹۷۱ شرکت می کردند و برای بر گذاری و سازماندهی برنامه بعدی یک نفر مطابق نوبت موظف می گردید که در شهر محل سکونت خود آنرا برگزار کند. اما امسال خلاف سالهای قبل سازمانده محفل از فارغان سالهای ۱۹۷۵-۱۹۶۹ دعوت به عمل آورده بود که در حدود ۳۰ نفر دور هم جمع شده بودند.

یک تعداد از اینها بعد از گذشتن ۳۶ تا ۴۰ سال چون همدیگر خود را نمی شناختند و نام همدیگر را نیز به یاد نداشتند بناء به پیشنهاد یک تن همه باید به معرفی خود می پرداختند، یک تعداد نام، سال فراغت و شهر سکونت خود را گفته و یک تعداد دیگر که پر حرف تر بودند راجع به کار و خانواده خود نیز معلومات ارائه کردند.

تا اینکه نوبت به یک پرچمی رسید وی ضمن معرفی خود روی اوضاع افغانستان تماس گرفته و از کمبود یک نیروی چپ در ترکیب حکومت (در حالیکه پرچمی ها علاوه بر پارلمان ارتجاعی و دست نشانده چند وزیر در ترکیب حکومت امریکائی و کابینه نیز دارند) صحبت نموده و چون اوضاع را مطابق میل خود دید از گذشته ننگین و پر از جنایت خود به افتخار یاد کرد.

سخنران به صحبت خود دوام داده و محفل را سکوت در هم پیچیده بود و صدای کسی بلند نمی شد تا اینکه یک فرد شرافتمند با صدای بلند و غضب آلود فریاد زد، تو که به گذشته پر از جنایت افتخار می کنی جواب شهادی وطن و شهادی فامیل مرا کدام مادر تان می دهد. دو نفر پرچمی دیگر که در این جمع ۳۰ نفره وجود داشت و هویت خود را پنهان کرده بودند چون اوضاع را به نفع خود ارزیابی کردند به دفاع از رفیق پرچمی خود برخاستند و با صدای بلند می گفتند که بروید محاکمه بین المللی دایر کنید و کسی حق ندارد که ما را جنایتکار خطاب کند.

عده ای از سالون خارج شدند تامبادا خدای نا خواسته صدمه ای عاید حال شان گردد وعده ای دیگر با وجودیکه هر کدام شان یک ویا چند عضو فامیل خود را از دست داده بودند نخواستند در این معرکه قدم پیش بگذارند تنها یک نفر دیگر گفت که اگر رءی گیری کنیم شما ۳ نفر را از بین خود اخراج خواهیم کرد. بر گذار کننده محفل برای آنکه وضع عادی را دوباره بر قرار بسازد اعلان کرد که چند دقیقه تفریح می کنیم وبعداً برنامه خود را ادامه می دهیم که این بانگ نا به هنگام را پرچمی ها ومحافظه کاران از خدا می خواستند .

عجب زمانه ای شده است از یک طرف پرچمی - خلقی ها با استفاده از محافظه کاری عده ای ترسو و بزدل حال در محافل ومجالس از جنایات خود وحزب ننگین خود به افتخار یاد می کنند واز طرف دیگر بعضی افراد در این کشور ها چنان تحلیل رفته اند که حتی با استفاده از همین دموکراسی بورژوازی نیز جرأت ندارند تا از شهدای خود یاد کنند .

تعدای هم پهلوان را زنده خوش است با پا ماندن برروی شهدای میهن نمی خواستند گردهمآیی شان خراب شود ومی گفتند که ما همصنفی های سابقه هستیم به خاطر تجدید خاطرات گذشته جمع شده ایم ومارا به سیاست کاری نیست .عده ای هم شاید جرأت وشهامت خود را قبلاً به زیر پای خلقی - پرچمی ها انداخته باشند.

من این چند سطر را به خاطری نوشتم تا هموطنان ما بدانند که دکتوران وانجیران ما که در همچو محافل جمع می شوند از چه قماش انسان هائی اند. خودم درنگ زیادت را در آن محفل جایز ندیده ، در حالی که با صدای بلند نفرت و انزجارم را از همکاسه شدن با جنایتکاران خلقی - پرچمی و اکنون انقیاد طلبان امریکائی اعلام می داشتم به عنوان احتجاج از حضور میهن فروشان در یک جمع افغانی، بدون اعتناء به درخواست های مکرر میزبان مجلس را ترک گفتم، و منتظر پروگرام های بعدی شان نشده به شهر محل سکونت بر گشتم.

این که بعد از برآمدن من از آنجا چه تعداد دیگری نشست و برخاست با خاینان را برخورد ننگ دانستند و به مانند من از مجلس بیرون شدند، تا هنوز نمی دانم، وقتی اطلاعی در زمینه به دستم رسید حتماً خدمت دوستان و خوانندگان متعهد و وفادار پورتال تقدیم خواهم نمود.

شاید عده ای فکر نمایند که خوب نشستن ۲ و یا ۳ ساعت با آنها که آسمان را به زمین نمی زد، از نظر من چنین نشست و برخاستی بیشتر از آسمان بر زمین خوردن مصیبت بار است. زیرا همان طوری که در مکتب خوانده بودیم که چگونه یک پسر از تخم مرغ دزدی تا پای دار رسید، این چنین نشستن ها هم با زدودن حساسیت بین خوب و بد و با از بین بردن مرز ها بین صادق و خاین، قاتل و مقتول، حاکم ومحکوم سرانجام انسان را بدانجا می کشاند که اکنون عده ای از طراحان مسامحه بدانجا رسیده اند:

یعنی با خلق و پرچم، یعنی با دشمنان مردم و خاینان به میهن مجالس مشترک دایر کردن، یعنی با وطنفروشان خلقی - پرچمی ها و تفاله های آنها از قماش سازا و سایران حزب مشترک ساختن. که می توان نوشت:

دور باد، دور باد! چنین ذلتی از ما!